

تحلیل و بررسی خشونت علیه زنان

(مطالعه موردی زنان در اروپا)

مهديه شادمانی

چکیده

یکی از بحران‌های کنونی اجتماع بشری، گسترش غیرقابل انکار خشونت علیه زنان است. بدرفتاری با زنان، در همه کشورهای جهان مسئله‌ای کاملاً عمومی و دارای نتایج وخیمی است. این مسئله در سراسر جهان سلامت روحی و جسمی زنان را به مخاطره انداخته و سبب نقض گسترده حقوق این بخش از جامعه بشری گردیده است. بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان در خانواده و اجتماع، سبب تشویش، حس حقارت و در نهایت خودکشی می‌گردد. بسیاری از روانشناسان در بررسی علل این پدیده، نوع تقسیم و توجه به نقش‌های جنسیتی و همچنین نوع جامعه‌پذیری را ذکر کرده‌اند. این رخداد ناگوار به حدی رشد یافته که این نقض آشکار حقوق انسانی در سراسر جهان و حتی کشورهای غربی نیز مشاهده می‌شود. مسئله مهم در این میان رشد فزاینده خشونت و جرائم جنسی علیه زنان در کشورهای پیشرفته غربی است که مدعی اجرای قوانین سودآور برای زنان هستند. به عنوان

نمونه در کشورهای پیشرفته انگلیس و فرانسه شاهد رشد فزاینده خشونت و تجاوز علیه زنان هستیم، اما مجامع بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری به دلیل منافع خاص سیاسی و نقش هژمون این دولت‌ها در ساختار سیاست بین‌الملل، کوچک‌ترین اعتراض و تحریمی را ایراد نمی‌کنند. خشونت خانگی، تجاوز به عفت، خشونت جنسی، خشونت جسمی، خشونت در محل کار، بردگی جنسی و ارباب از انواع مصادیق خشونت علیه زنان به شمار می‌آید. در این مقاله نویسنده با بررسی ابعاد خشونت، میزان جرائم جنسی و تضييع حقوق زنان را در کشورهای غربی تحلیل کرده است.

کلیدواژه: زنان، حقوق، جرائم، مجامع، تضييع، ارباب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه علی‌رغم پیشرفت‌های علمی هنوز معضل خشونت، وجدان‌ها را می‌آزارد و به عنوان یک مسئله حاد اجتماعی خشونت مدرن با مصادیق جدیدی مطرح گردیده است. حدود نیمی از جمعیت کره زمین را زنان تشکیل می‌دهند که در طول تاریخ مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. خشونت علیه زنان از قدیم تا به حال نه تنها کمتر نشده است، بلکه با بررسی‌های به عمل آمده آمارهایی به دست رسیده که حاکی از نقض حقوق بشر در مورد زنان است. خشونت ممکن است جنبه روانی، جسمی و مالی و جنسی داشته باشد که در اسلام به عوامل فرهنگی زمینه‌ساز خشونت علیه زنان بیشتر توجه شده و با آن به مقابله برخاسته است. (یزدانی، ۱۳۹۵: ۱۷۸)

خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و صرفاً به علت زن بودن مورد اعمال زور و تضييع حق از سوی جنس مخالف (مرد) قرار می‌گیرد. چنان‌چه خشونت در چارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می‌شود و به هر نوع عمل و یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می‌شود. این تعریف، تهدید به چنین اعمال و رفتاری، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، اعم از این که در زندگی شخصی (خصوصی) یا جمعی رخ دهد، را نیز دربرمی‌گیرد. (وردی نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۸)

با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان، از همان آغاز تأسیس سازمان ملل متحد در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۴۵ ارتقای حقوق زنان و ایجاد فضای برابر برای آنان از اهم تلاش‌های سازمان ملل قرار گرفت. بدین ترتیب سازمان ملل پرچمدار

جنبش ترویج و حمایت از حقوق بشر زنان، حذف خشونت علیه زنان و محو کامل همه نوع تبعیض علیه آنان شناخته شد و این مهم از طریق تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۷ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ آغاز شد تا زنان در همه جنبه‌های مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به حقوق برابر و انسانی دست یابند. (موتقی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

اما نکته مهم در این مقاله، رشد فزاینده خشونت علیه زنان در کشورهای پیشرفته و غربی می‌باشد. بسیاری از کشورهای اروپایی در پشت پرده شعارهای رنگارنگ دفاع از زنان و گسترش تئوری‌های فمینیستی، با ایجاد و افزایش ظلم علیه زنان در قالب بردگی جنسی، تجاوز و بهره‌کشی اجباری زمینه تضييع حقوق این بخش مهم از اجتماع بشری را به وجود آورده‌اند. با توجه به این مسائل نویسنده در این مقاله سعی کرده تا ضمن بررسی خشونت علیه زنان، به این سوال پاسخ دهد که خشونت علیه زنان در اروپا در چه میزان و گستره‌ای است و چه تأثیری این خشونت بر ابعاد مختلف زندگی بشری دارد.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱ خشونت

خشونت از نظر لغوی به معنای غضب، درشتی و تندلی کردن، ضد لینت و نرمی تعریف شده است.

هر چند خشونت در بدو امر، بدیهی و بی‌نیاز از تعریف به نظر می‌رسد، اما در مقام تعریف، اختلاف نظر بسیاری مشاهده می‌شود. برخی خشونت را عملی خلاف نرم و طبع می‌دانند. بعضی دیگر خشونت را رفتاری فردی و

جمععی می‌شمارند که تحت شرایط خاص بروز می‌کند و از نظر برخی دیگر، خشونت هر نوع رفتار خشنی است که از روی قصد و به منظور آسیب بر فرد دیگر انجام می‌شود. در تعریف دیگری بیان شده است هرگونه تهاجم فیزیکی علیه هستی انسان که با انگیزه آسیب، رنج و یا لطمه باشد. برخی نیز معتقدند خشونت طیفی از رفتارهای بسیار تند و آسیب‌زا تا عکس‌العمل‌های منفی چون بی‌تفاوتی و کم‌توجهی را دربردارد. (مجبی، ۱۳۸۰: ۷-۶)

۱-۲ قاجاق زنان

قاجاق زنان عنوانی است که بر پایه جنسیت به کار می‌رود و گرنه پیوند آن با قاجاق انسان، عموم و خصوص و مطلق است و قاجاق زن در زیر قاجاق انسان قرار گرفته و برجسته‌ترین مصداق آن به شمار می‌رود، ولی سوداگری انسان، به خرید و فروش و مبادله کردن می‌پردازد که یا بزه‌دیده بر انجام کار، خشنودی (رضایت) ندارد یا اینکه از چستی یا عاقبت کار آگاه نیست؛ از این رو تجارت انسان را بیشتر بر محوریت زنان و کودکان بررسی می‌کنند. بر پایه تعریفی که ماده ۳ پروتکل پیوست به کنوانسیون بین‌المللی پیکار با بزه‌های سازمان‌یافته فراملی با نام «پیوندنامه پروتکل پیشگیری، سرکوب و کیفر سوداگری اشخاص به ویژه زنان و کودکان» پیشنهاد داده، سوداگری یا آمد و شد کردن اشخاص عبارت است از: به کارگیری، ترابری، انتقال، تحویل دادن و تحویل گرفتن اشخاص از رهگذر تهدید، به کارگیری زور یا دیگر حالت‌های اجبار، ربایش، تقلب، فریب، بهره‌گیری ناروا از اختیارات، حالت آسیب‌پذیری بزه‌دیده، پرداخت یا دریافت پول یا بهره‌تار رضایت شخص (بزه‌دیده) برای تحت کنترل قرار گرفتن، از سوی دیگری به قصد بهره‌کشی از وی به دست

آید. (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۵۰)



۲. انواع خشونت علیه زنان

۱-۲ خشونت خانگی

خانواده، نهادی است که شدت، عمق و گستردگی روابط و تعاملات در آنجا از هر جایی دیگری بیشتر است. پس نهاد خانواده زمانی می‌تواند مکان پر از امن و عطف باشد که دچار آشفتگی و نابسامانی نباشد. خشونت از عواملی است که سلامت و امنیت خانواده را تهدید می‌کند. خشونت خانوادگی یا خشونت علیه زنان در خانواده، شایع‌ترین شکل خشونت علیه زنان است. در حقیقت خشونت خانوادگی (Family Violence) به نوعی پرخاشگری اشاره دارد که عضوی از خانواده به عضو دیگر اعمال کند. اگرچه گاهی ادعا می‌شود که زنان به اندازه مردان با همسر یا کودکان خود خشن هستند، اما واضح است که خشونت زنان محدودتر است و به احتمال بسیار اندک موجب آسیب جسمانی بادوام می‌گردند. اگرچه آثار فیزیکی خشونت خانگی معمولاً قابل مشاهده است، اما در مقابل، گاهی خشونت خانگی دارای آثار مخربی است که به چشم نمی‌آید، اما تحمل‌شان بسیار دشوار است. مانند دروغ گفتن، به خواسته‌های زن بی‌توجه بودن، انتقاد کردن به طور مداوم، جدا کردن زن از کودکانش و فامیل، پرخاش کردن، وادار کردن زن به ترک خانه، تهمت زدن و... که از آن‌ها به عنوان خشونت پنهان یاد می‌شود. به این ترتیب خشونت خانگی در اشکال مختلف نظیر فیزیکی، روحی، اقتصادی، فرهنگی و جنسی بروز می‌کند. بسیاری معتقدند خشونت خانگی علیه زنان هنوز به عنوان ابزاری برای تداوم و تقویت فرمان‌برداری زنان از مردان، استفاده می‌شود. این نوع رفتار قابلیت انتقال از نسلی به نسل دیگر را دارد؛ زیرا پسرانی که شاهد خشونت علیه مادرانشان هستند، در دوران بزرگسالی برای حل اختلاف‌های

خود پیش از سایر پسران به خشونت روی می‌آورند و در مقابل دختران شاهد خشونت علیه مادرانشان نیز نسبت به سایر دختران با احتمال بیشتری قربانی خشونت شوهران خود می‌شوند. (ره‌کشای، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۲۷)

۲-۲ خشونت‌های عمومی

در دسامبر سال ۱۹۹۳، مجمع عمومی سازمان ملل برای تعریف خشونت‌های مبتنی بر مالکیت نسبت به جنس مؤنث، به توافق رسید و با عنوان «بیانیه طرد خشونت علیه زنان» به تعریف خشونت پرداخت. در ادامه اعلامیه، به احصای اعمال و اشکالی از خشونت می‌پردازد که منجر به خشونت علیه زنان می‌شود که در ذیل خشونت‌های عمومی و خارج از خانه نام برده شده است:

- ۱- خشونت‌های غیرزناشویی؛
- ۲- خشونت‌های مربوط به بهره‌کشی؛
- ۳- آزار جنسی، منزوی ساختن در محل کار و مراکز و سازمان‌های دولتی یا غیردولتی و هر جای دیگر؛
- ۴- قوادی؛
- ۵- روسپیگری؛
- ۶- خشونت‌های ناشی از اعمال حاکمیت دولت؛

طبق نظر بعضی از متخصصان و مدافعان حقوق زنان، این حمایت‌ها شکل کلی و فراگیر دارد و تنها شامل اعمال افراد و حکومت‌ها نمی‌شود، بلکه عدم قانون و فقدان سیاست‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را که می‌تواند خشونت محسوب شود نیز شامل می‌گردد.

در تحقیقی که برای بانک جهانی با کمک جک لین پیتانی و آدریال ژرمن و لری هیز ویک‌نیم از انستیتوی باسینیک در مورد «سلامتی زنان و آشنگتن»

صورت گرفت، اعلام گشت که تعریف بیان شده توسط مجمع عمومی اجازه نمی‌دهد که فراتر از آن تعریف و موارد احصا شده، موارد دیگر را خشونت بدانیم، در حالی که خشونت‌های نسبت به زنان، فراتر از موارد مذکور در بیانیه است. طبق نظر خانم هیز، تعریف خشونت باید حول ۲ محور اساسی «اجبار» و «زور» بیان گردد؛ مسئله‌ای که مبین یک رفتار خشونت‌آمیز از یک رفتار ساده تحمیلی است. (گزارشی از چهارمین کنفرانس جهانی زنان، ۱۳۸۵)

۳. چارچوب نظری

سنت‌گرایان در طیف رادیکالشان معتقدند که زنان، خود باعث و بانی خشونت هستند؛ زیرا در مورد خشونت جنسی، زنان خود متجاوز را وسوسه نموده و سبب چنین خشونتی می‌شوند. در غرب این طرز تفکر به این صورت تجلی می‌کند که مرد اجازه دارد که همسرش را بزند، مشروط بر اینکه چوب از انگشت شست او ضخیم‌تر نباشد. این شکل از ضرب و جرح در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان غیرقانونی اعلام شد. در بسیاری از کشورهای جهان، در حال حاضر این نوع تفکر در مورد تهاجم و تهدید علیه زنان منسوخ شده، ولی عملاً تناقض دارد و دستگاه‌های قضایی و حقوقی هم لویحی بر رد آن ندارد.

دیدگاه‌های دیگر، خشونت علیه زنان را مشکلی اجتماعی به حساب می‌آورد. این رویکرد بر این باور است که مردانی که نسبت به زنان خشونت می‌ورزند بیمار و نیازمند درمان‌اند. مردانی که زنان خود را کتک می‌زنند احتمالاً در دوران کودکی کتک خورده‌اند.

دیدگاه فمینیستی، خشونت علیه زنان را در متن وسیع‌تری بررسی می‌کند



که آن جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است. در دهه‌ی هفتاد میلادی فمینیست‌ها کوشیدند تجاوز جنسی و کتک زدن همسر را تهدید جدی مردان علیه حیات زنان معرفی کنند، اما این رویکرد به تازگی مورد اعتراض واقع شده و فمینیست‌ها گفته‌اند هر چه که موجب وحشت و ارباب زنان شود باید در بستر کنترلی که مردان بر رفتار زنان دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. فمینیست‌ها به جای اینکه در پی توجیهی برای خشونت مردانه باشند، بیش از پیش به پژوهش‌هایی علاقه نشان می‌دهند که به دنبال کشف احساس زنان نسبت به خشونت و قدرت مردانه و قید و بندهایی است که به خاطر وحشت از تجاوز و تهاجم مردان در رفتار زنان به وجود می‌آید. در میان تمامی نظریه‌هایی که سعی کرده‌اند پدیده‌ی همسرآزاری را توضیح دهند، نظریه‌ی فمینیسم (برابری زن و مرد) توجه بیشتری را به خود جلب کرده است، این دیدگاه:

۱. بر تجربه‌ی جنسیت تأکید می‌کند.
۲. تشخیص می‌دهد که زن در جامعه به عنوان جنس دوم مطرح است.
۳. متعهد می‌شود که به این اختلاف پایان دهد. (حمیدیان، کلاتری، ۱۳۸۷: ۵۵)
۴. رویکرد روانشناسی اجتماعی

۴-۱ نظریه یادگیری اجتماعی (Social learning view)

در دهه ۱۹۹۰ «باندورا» بیان می‌کند خشونت نوعی صورت آموخته شده از رفتار اجتماعی است. فراگیری خشونت معمولاً تحت شرایط مستقیم (تنبیه یا تشویق) و مشاهدات فردی انجام می‌پذیرد و می‌تواند نتیجه تجارب شخصی یا فردی یا برگرفته از نتایج مترتب بر رفتار دیگران باشد. برای تبدیل رفتار مشاهده شده به رفتار از سوی فرد، لازم است آن رفتار در ذهن فرد ثبت شود

و سپس به رفتار عملی تبدیل گردد. این فرآیند با توجه به میزان مهارت افراد، متفاوت است. ابعاد تنبیهی و تشویقی رفتار و وجود انگیزه لازم فاعل برای انجام فعل از دیگر مواردی است که در تبدیل ذهنیت به رفتار مؤثر است. چنانچه بخواهیم ماهیت خشونت را از طریق این نظریه درک کنیم، باید سه موضوع بنیادی را توجه نمائیم:

الف. شیوه کسب رفتارهای خشونت‌آمیز توسط فرد؛

ب. پاداش و تنبیهات مؤثر در رفتارهای خشونت‌آمیز؛

ج. عوامل اجتماعی و محیطی مؤثر بر رویداد خشونت در یک محیط خاص.

(مجبی، ۱۳۸۰: ۱۳)

بدین ترتیب با بررسی نظریه‌های گوناگون و پژوهش‌های پیشین می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که:

۱. فرد در خانواده جهت‌یاب (مبدأ) خود با مشاهده رفتار خشونت‌آمیز والدین، خشن بودن را از آنان می‌آموزد و همین تجربه بدرفتاری از ناحیه پدر و مادر در کودکی منجر به یادگیری رفتار سلطه‌آمیز توسط مرد و آموختن تحمل توسط زن در آینده می‌شود.

۲. فرد در فرایند جامعه‌پذیری در خانواده پدری خود بر اساس گرایش‌ها و هویت جنسیتی و به دنبال آن تصویری که از زنان و مردان در آن محیط ترسیم می‌شود روحیه استبدادی و یا دموکراتیک را در خود درونی می‌کند.

۳. هر یک از همسران که در خانواده به منابع و سرمایه‌های بیشتری دسترسی داشته باشد، می‌تواند سهم بیشتری در تصمیم‌گیری داشته باشد. بنابراین افزایش منابع قدرت برای زنان خود عامل مهمی برای مقابله با خشونت مردان علیه آنان می‌باشد.

۴. وجود یا فقدان نوع خاصی از روابط می‌تواند در بروز رفتار خشونت‌آمیز در خانواده سهم به‌سزایی داشته باشد. از جمله این روابط، تعاملات ابزاری، اظهاری و گفتمانی است که در نظریه‌های مذکور به هر کدام از آن‌ها اشاره‌ای شد. (اعظم آزاده، دهقان فرد، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۳)

۵. حقوق زنان از منظر قوانین بین‌المللی

از سده بیستم جامعه بین‌المللی با احترام به اصل حاکمیت ملی، مجموعه گسترده‌ای از قوانین بین‌المللی حقوق بشر توسعه یافت که تا حدود زیادی اجازه اظهارنظر و تأثیرگذاری در مورد وضعیت حقوق بشر در دیگر دولت‌ها محقق گشت. برای نمونه جامعه بین‌المللی تلاش‌های گسترده‌ای را برای جلوگیری از خشونت علیه زنان و شامل ساختن حقوق زنان در عرصه حقوق بشر انجام داده است. از سال ۱۹۸۰ به تدریج پیشگیری از ارتکاب خشونت خانگی به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه بین‌المللی مطرح شده و یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ها و سیاست‌های مقابله با ارتکاب خشونت خانگی و جنسی، جرم‌انگاری این اقدامات و مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گوبودن مردان مرتکب خشونت علیه زنان و دختران است. به گونه‌ای که شورای عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۸۱، ۲۵ نوامبر هر سال (چهارم آذر) را به عنوان «روز جهانی رفع خشونت علیه زنان» نام‌گذاری کرده است. به این ترتیب دولت‌ها در عرصه بین‌المللی با تصویب قرارداد و معاهدات حقوق بشری متعهد گشتند، برای تحقق حقوق بشر و مقابله با تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی زنان تلاش نمایند. قطعنامه مجمع عمومی در سال ۱۹۸۵ در مورد خشونت خانگی، قطعنامه‌ی شورای اقتصادی و اجتماعی، به

شماره ۱۸/۱۹۹۱ در خصوص تمامی اشکال خشونت علیه زنان اعلامیه محو خشونت علیه زنان مصوب ۱۹۹۱، تصویب اعلامیه مجمع عمومی در سال ۱۹۹۳ در مورد منع خشونت علیه زنان استخدام گزارشگر ویژه ملل متحد برای گزارش‌دهی و نظارت از موارد خشونت علیه زنان سال ۱۹۹۴، سند زمینه‌های عملی مصوب سال ۱۹۹۵ در چهارمین کنفرانس (Platform for Action) سازمان ملل در مورد زنان و اجلاس سال ۲۰۱۳ کمیسیون مقام زن با محوریت خشونت خانگی، از جمله دستاوردهای دولت‌ها در قالب اسناد بین‌المللی برای مقابله با خشونت علیه زنان به شمار می‌آید. با وجود این اقدامات، خشونت علیه زنان به خصوص خشونت خانگی به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در راستای تطبیق کامل حقوق بشر قرار دارد. (ره‌کنشای، ۱۳۹۵: ۱۳۵-۱۳۴)

از سویی در کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد مسئله‌ی خشونت بر اساس جنسیت به طور ویژه‌ای در کنوانسیون مورد توجه قرار نگرفته است. گرچه این موضوع آشکارا بخش بنیادین شرایط اصلی است. در توصیه‌ی عمومی شماره‌ی ۱۹ مصوب یازدهمین اجلاس در ۱۹۹۲ کمیته‌ی رفع تبعیض علیه زنان گام رسمی مهمی برداشته شد و ممنوعیت عمومی تبعیض بر اساس جنسیت را افزایش داده و متضمن خشونت بر اساس جنسیت دانسته و در تعریف اعلام می‌دارد (پاراگراف ۶):

«خشونتی که به دلیل زن بودن متوجه وی می‌شود یا به دلیل تأثیرگذاری نامتناسب اعمال می‌شود. آن شامل اعمالی است که باعث صدمه یا ناراحتی جسمی، روحی یا جنسی می‌شود، تهدید به انجام این‌گونه اعمال، اعمال زور و دیگر محدودیت‌ها برای آزادی...»

کمیته تصریح می‌کند که خشونت علیه یک زن مساوی نقض حقوق انسانی شناخته شده بین‌المللی است، بدون توجه به این که آیا مرتکب مقام رسمی دولتی یا شخص خصوصی است.

مسئولیت حکومت‌های عضو مطابق کنوانسیون تا هنگام رفع تبعیض بر اساس جنسیت به وسیله‌ی هر شخص، سازمان یا موسسه ادامه دارد در نتیجه مسئولیت حکومت نه تنها محدود نیست به وقتی که مقام رسمی حکومتی در موضوعی مربوط به خشونت بر اساس جنسیت درگیر می‌شود، بلکه حتی هنگامی که تلاش‌های لازم برای جلوگیری از نقض حقوق تعهدشده برای اشخاص خصوصی یا تلاش‌هایش برای رسیدگی و مجازات چنین اعمال خشونت‌آمیزی و جبران خسارت به شکست می‌انجامد، نیز وجود دارد.

در همان توصیه‌ی عمومی (پاراگراف ۲۴) کمیته از حکومت‌های عضو می‌خواهد که تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از خشونت بر اساس جنسیت انجام دهند. چنین اقدام‌هایی نه تنها می‌تواند شامل ضمانت‌اجراهای قانونی، جبران خسارت‌های مدنی و راه‌هایی برای تحویل خسارات باشد، بلکه می‌تواند شامل اقدام‌های پیشگیرانه از جمله برنامه‌های اطلاع‌رسانی عمومی و آموزشی، همچنین اقدام‌های حفاظتی مثل خدمات حمایتی برای قربانیان خشونت باشد. فعالیت کمیته در این زمینه به وسیله‌ی سایر برنامه‌های توسعه بین‌المللی تقویت می‌شود. در ۱۹۹۳ مجمع عمومی اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان را (قطعنامه ۴۸/۱۰۴) تصویب کرد. اعلامیه گام‌هایی را که می‌یابد حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی برای تضمین رفع همه اشکال خشونت علیه زنان بردارند، تشریح می‌کند (چه مواردی که در زندگی خصوصی روی می‌دهد و چه مواردی که در زندگی عمومی روی می‌دهد). (اسدپور، ۱۳۸۴: ۲۶۴)

۶. خشونت علیه زنان در اروپا

اعمال خشونت علیه انسان‌ها در تمام ادوار تاریخ با شدت و ضعف وجود داشته است، اما زنان و دختران در مقابل خشونت آسیب‌پذیرتر می‌باشند؛ زیرا آنان دارای روحی لطیف و از نظر جسمانی نسبت به مردان ضعیف هستند. اثرات مخرب این آسیب‌ها بر زنان، از نظر روحی و روانی در خانواده و جامعه کاملاً محسوس می‌باشد. متأسفانه از قرن ۱۹ به بعد که جو حاکم بر کشورها به سمت سکولاریستی و اومانیستی پیش رفت، آرام آرام خشونت علیه زنان بیشتر شد تا جایی که در کشورهای غربی به فکر مقابله با خشونت علیه زنان افتادند و مراکز متعددی برای حمایت از زنان آسیب‌دیده در غرب تشکیل دادند، اما طبق آمار، معلوم می‌گردد که این مراکز از کارایی لازم برخوردار نیستند؛ زیرا خشونت‌ها از نظر کمیت و کیفیت رو به فزونی است. (اخوان، ۱۳۹۴: ۳۶)

در ذیل به ابعاد و آمارهایی از خشونت علیه زنان در کشورهای غربی اشاره می‌شود:

۱-۶ قاچاق زنان

۱-۱-۶ اروپا

از ابتدای دهه ۱۹۹۰، به ویژه از فروپاشی شوروی و بلوک شرق، موضوع قاچاق انسان در سطح جهان ابعادی گسترده یافته به طوری که امروزه تمام کشورهای اروپایی در امر واردات زن به صورت کالا و کارگر جنسی (Sextunal labor) فعالیت دارند. چنانچه در آلمان ده هزار زن اهل کشورهای چک، لهستان و بلغارستان، برخلاف میل خود در میخانه‌ها و کلوب‌ها کار می‌کنند و بر اساس برآوردهای کمیسیون اروپا، سالانه ۵۰۰ هزار زن و کودک به اروپای غربی قاچاق می‌شوند.

میزان قاچاق مهاجران زن و کودک از اروپای شرقی و مرکزی، پس از باز شدن مرزهای جنگ سرد بسیار بالا رفته است و در واقع مشکل اصلی قاچاق زنان در این منطقه از اوایل دهه ۹۰ آغاز شد که بعد از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در آن منطقه و افزایش بحران‌های اقتصادی و سیاسی، برای رسیدن به وضعیت بهتر جلای وطن کردند، اما در دو کشور اروپایی یعنی بوسنی و ایتالیا، این معضل شکلی جدی‌تر به خود گرفته است:

الف. بوسنی

امروزه بوسنی به صورت یک مقصد نهایی مهم برای زنان قاچاق شده از شرق اروپا درآمده و بخشی عمده از این زنان برای روسپیگری، به کشورهای شرق اروپا به ویژه بلغارستان، قزاقستان، مولداوی، رومانی و اوکراین تعلق دارند. به نظر سازمان ملل نبود کنترل کافی در طول مرز بوسنی با کرواسی و یوگسلاوی از علل بروز این مشکل است. به طور متوسط ماهانه یک تا سه هزار نفر وارد بوسنی می‌شوند که اکثر این افراد از کشورهای ترکیه، ایران، هند و تونس هستند.

ب. ایتالیا

بر اساس گزارشی که به پارلمان ایتالیا داده شد، سالانه ۱۰ هزار مهاجر غیرقانونی از ۵۰ کشور به ایتالیا قاچاق می‌شوند و این کار به یکی از پول‌سازترین کارهای غیرقانونی مافیای ایتالیا تبدیل شده است. در بسیاری موارد قاچاق انسان و برداشتن اندام‌های بدن، تحت عوامل «فرزندخواندگی» در ایتالیا انجام می‌شود. گزارش‌ها حاکی از آن است که سالانه ۲۰ تا ۳۰ هزار زن به‌طور غیرقانونی وارد ایتالیا می‌شوند. این زنان از کشورهای نظیر اوکراین، البانی و مولداوی به ایتالیا وارد می‌شوند. این زنان از مولداوی به قیمت ۱۵۰

دلار خریداری می‌شوند و به محض ورود به ایتالیا به قیمت ۵۰۰۰ دلار به دلالتان فروخته می‌شوند. این بردگان باید بتوانند به ماهانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحبان خود درآمد ایجاد کنند. (اسفندیاری، موثقی، ۱۳۸۷: ۲۹۴-۲۹۳)

۶-۲ تجاوز

انگلیس یکی از کشورهای پیشرفته غربی است، با این حال خشونت‌های جنسی و تجاوز در آن هر ساله رو به رشد است. وزارت دادگستری انگلیس و دفتر آمار ملی و اداره داخلی این کشور، نخستین بولتن آماری مشترک و رسمی درباره خشونت‌های جنسی را با نام «نگاهی به خشونت جنسی در انگلستان و ولز» منتشر کردند. بر اساس این گزارش، حدود ۸۵ هزار زن سالانه به طور متوسط مورد تجاوز قرار می‌گیرند. بیش از ۴۰۰ هزار زن نیز سالانه با خشونت‌های جنسی مواجه می‌شوند. یک نفر از هر ۵ زن ۱۶ تا ۵۹ ساله چند نوع از خشونت‌های جنسی را تجربه کرده است.

در فرانسه، تعداد قابل توجهی از زنان از سوی همسرانشان قربانی خشونت منجر به مرگ می‌شود. در این کشور، ۹۵ درصد قربانیان خشونت را زنان تشکیل می‌دهند و ۵۱ درصد آن‌ها قربانی خشونت توسط همسرانشان هستند. علاوه بر این، زنان در مشاغل کم‌اهمیت مانند خدمتکاری و کار در رستوران و هتل به کار گرفته می‌شوند. آمار فحشاء در فرانسه در حال گسترش است. زنان و دختران جوان اروپای شرقی اغلب به اجبار و توسط شبکه‌های سازمان یافته وارد فرانسه می‌شوند. (اخوان، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۶)

در خصوص آمریکا نیز، نیشن‌مستر در یکی از صفحات خود، نمودارهایی را در خصوص تعداد قربانیان تجاوز به عنف در کشورهای جهان تنظیم کرده که ایالات متحده آمریکا در این رده‌بندی در جایگاه سیزدهمین واقع شده است.

جالب اینکه تمام کشورهای غربی مدعی رعایت حقوق بشر، از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا و سوئد، در ۱۰ رتبه اول قرار دارند و تنها ایتالیا با رتبه یازدهم، نتوانسته در میان ۱۰ کشور برتر قرار بگیرد! در این نمودار که ۲۰ کشور اول در این زمینه نشان داده شده، هیچ کشور اسلامی به چشم نمی‌خورد.

یکی دیگر از گزارش‌های نیشن‌مستر نیز به آمار طلاق بازمی‌گردد که بنابر نمودارها، آمریکا با ۴/۹۵ طلاق در هر هزار نفر، رتبه اول را از آن خود کرده و نزدیک‌ترین کشور اسلامی به آمریکا، قطر است که آمار طلاق در آن یک‌پنجم آمریکاست.

به گزارش "مرکز ملی قربانیان جنایت" در آمریکا، سه درصد از مردان آمریکایی در طول عمر دست‌کم یک‌بار مورد تجاوز واقع می‌شوند که بنابر جمعیت کنونی آمریکا، بالغ بر ۲/۸ میلیون نفر دچار این موضوع شده‌اند. ۷۱ درصد از قربانیان در حالی مورد تجاوز قرار می‌گیرند که سن آنها به ۱۸ سال نرسیده است.

بنابر گزارش فوق، مردان در کل حدود ۱۰ درصد از قربانیان تجاوز را در آمریکا تشکیل می‌دهند و در واقع بقیه این آمار، مربوط به زنان است، اما میزان گزارش تجاوز به پلیس در بین مردان به مراتب کمتر از زنان است. همچنین شایان ذکر است که ۲۲ درصد از مردان زندانی در آمریکا طعمه تجاوزکاران می‌شوند که این رقم بالغ بر ۴۲۲ هزار نفر در سال است.

۶-۳ بردگی جنسی

بردگی جنسی از پدیده‌های شدیداً ناهنجاری است که از گذشته وجود داشته و امروزه نیز شکل مدرن به خود گرفته است. در این پدیده، زن یا مرد به

بردگی گرفته شده، توسط افراد متعدد و بالاخص ارباب خود مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد که عموماً در این وقایع، صدمات زیادی را متحمل می‌شوند. کتک زدن، آویزان کردن از اعضای بدن، شلاق زدن، تجاوز دست‌جمعی و ... از مواردی است که اربابان که عموماً افراد دارای بیماری‌های روانی - جنسی هستند بر سر قربانیان خود می‌آورند؛ چراکه روابط جنسی آزاد به قدری در برابر آن‌ها قرار گرفته که روابط عادی جنسی، این افراد را ارضاء نمی‌کند و برای دستیابی به هدف خود، از راه‌های سادیسم‌گونه وارد می‌شوند. (Barackobama.321)

۷. اسلام و نفی خشونت علیه زنان

در اسلام و در طی آیات و احادیث مسئله خشونت علیه زنان نفی شده است. این مسئله در دو بخش خشونت خانگی و اجتماعی تفسیر شده است.

۷-۱ نفی خشونت خانگی

در رابطه با صبر و شکیبایی در برابر همسر پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:
- آگاه باشید هرکس بر خوی زن بد اخلاق خویش صبر و تحمل نماید و از خداوند انتظار پاداش شکیبایی و تحمل خویش را داشته باشد، خداوند به او پاداش شکرگزاران را می‌دهد.

- هرکس نسبت به همسرش حتی به شنیدن یک کلمه ناروا تحمل و شکیبایی ورزد، خداوند او را از آتش آزاد و رها می‌سازد و بهشت را بر او واجب می‌نماید و برای آن مرد دو صد هزار نیکی نوشته می‌شود و دو صد هزار بدی از او پاک و زدوده می‌گردد و مرتبه وی دو صد هزار درجه بالا می‌رود و خداوند در برابر هر مویی که بر بدن اوست عبادت یک سال را می‌نویسد.

در رابطه به تنبیه بدنی نیز پیامبر چنین می فرماید:

- بدترین مردان شما کسی است که تهمت زننده، خسیس و بد زبان باشد و همسرش را کتک بزند.

- من در شگفتم از کسی که زن خود را می زند در حالی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر است. زناتان را با چوب نزنید که قصاص دارد.

- هر مردی که به همسرش سیلی بزند خداوند فرشته مالک آتش جهنم را فرمان می دهد که در گرمای آتش جهنم هفتاد سیلی به او زده شود و هر مردی از شما که دستش را بر موهای زن مسلمانش قرار دهد و آن را بکشد، دستش با میخ‌هایی از آتش جهنم میخ کوب خواهد شد. (oroj.edu.af)

مراتب کمتر از خشونت، یعنی هرگونه آزار رسانی یا نوعی اعمال و رفتار یا گفتاری که مایه چندی و ناخشنودی دیگران شود، نیز در اسلام، سرشتی شیطانی شمرده شده است.

پیامبر (ص) می فرماید: «من اذی مؤمناً فقد اذانی و من اذانی فقد اذی الله، و من اذی الله فهو ملعونٌ فی التوراة و الانجیل، و الزبور و الفرقان؛ آنکه به مؤمنی آزار رساند، مرا آزار کرده است و آنکه مرا آزار دهد، خدای مرا آزار داده است و آنکه خدای را آزار داده در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است».

امام صادق (ع) می فرماید: «قال الله - عزوجل: لیأذن بحرب منی من اذی عبدی المؤمن؛ خداوند می فرماید: آنکه انسان مؤمنی را آزار دهد، بداند که با خدا به نبرد برخاسته است.» (maarefquran/3235)

علاوه بر خشونت خانگی، خشونت در اجتماع نیز چه بسا نسبت به زنان اعمال می شود. این امر معمولاً در موقعیت‌های ویژه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر زنان اتفاق می افتد. اسلام در مقابله با این امر توصیه‌های فراوانی دارد از جمله:



۷-۲ حمایت از زنان در مناقشات مسلحانه

امام صادق(ع) فرمود: «پیامبر خدا(ص) هرگاه جنگی پیش می‌آمد فرمانده لشکر را فرامی‌خواند، او را در کنار و اصحاب را در مقابل خود می‌نشاند، سپس می‌فرمود: به سوی جنگ بروید با «بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله(ص)»؛ خیانت و پیمان شکنی نکنید، افراط نکنید، مثله نکنید، درختی را قطع نکنید مگر آنکه مجبور شوید. پیرمرد از کارافتاده و کودکان و زنان را نکشید.»

حضرت علی(ع) پس از اتمام جنگ جمل، خطاب به لشکر خود فرمود: «آنانکه به جنگ پشت کرده‌اند و رو به گریز نهاده‌اند نکشید و به مجروحان حمله نکنید و لباس از کسی برمگیرید و به زنی حمله نکنید.»

۷-۳ حمایت از زنان آسیب دیده به واسطه مناقشات مسلحانه

صفیه که از اسرای جنگی مسلمین بود خطاب به پیامبر(ص) گفت: «خدا همسرانت را بیوه گرداند که زنانمان را بیوه ساختی و خدا پسرانت را یتیم گرداند که پسر ما را محروم از پدر ساختی. مسلمانان که تندی و پرخاش صفیه را دیدند به سوی او رفتند تا با او برخورد نمایند. آن حضرت فرمود مزاحم او نشوید و به او کاری نداشته باشید، مسلمانان نیز چنین کردند. همگان از حلم و بردباری رسول خدا(ص) متعجب شدند.»

در میان قریش شاعری بود با نام «ابوغره» که آنان را با اشعارش بر جنگیدن تشویق می‌نمود. در یکی از جنگ‌ها هفتاد نفر از قریش به اسارت درآمدند که او نیز یکی از آن‌ها بود. هنگامی که فدیة افراد را تعیین کردند «ابوغره» گفت: ای ابوالقاسم! همانطور که می‌دانی من مردی فقیر هستم پس بر دخترانم متی

بگذار و از من فدیة مگیر. پیامبر(ص) فرمود: تو را بدون فدیة آزاد می‌کنم به شرط آنکه دیگر باعث تحریک افراد برای جنگ نشوی. او گفت: نه، هرگز، به خدا قسم. پس با او عهد بست که دیگر برنگردد. (آیت‌اللهی، ۱۳۸۸)

۸. پیامدهای خشونت علیه زنان

۸-۱ تأثیرات منفی خشونت بر زنان

هرچند وضعیت روحی زنان قربانی خشونت به تبع ویژگی‌های شخصی آنها گوناگونی نشان می‌دهد؛ با این حال برخی نشانه‌های روحی، روانی مشترک بین آنها دیده می‌شود. بنا به پژوهشی که ایلک کاراجان در ترکیه (۱۹۹۶) انجام داده، در زنان خشونت دیده‌ای که به کنج خانه خزیده‌اند، حالت‌های زیر قابل مشاهده است: هراس بیش از حد، کم‌حرفی، رمیدگی، انزوا و کناره‌گیری، سندرم لرزش تمام بدن به هنگام ترس از شوهر، بی‌خوابی، احساس بی‌حالی، ناتوانی و فرسودگی، عکس‌العمل افراطی نسبت به صداها، سرگیجه، فراموشی، تپش قلب، احساس خستگی افراطی، افسردگی، سرزنش خود، ترس از کنار زدن پرده‌های اتاق، ترس از تنها بیرون رفتن هنگام شب، ناتوانی از برنامه‌ریزی برای آینده، احساس عدم امنیت، تحمل دشواری در ادای درست جملات، احساس تنهایی و بیچارگی، عدم توانایی در ارتباط چشمی در هنگام سخن گفتن رو در رو، حالت حمله‌گریه‌های پی‌درپی به ویژه هنگام سخن گفتن، پژمردگی، بی‌زاری، بدبینی، خشم و ناامیدی از حیات. (معینان، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

احساس عدم کفایت در مدیریت خانواده، از کار افتادگی جسمی و روحی، عدم کارایی زن در محیط کاری، خدشه‌دار شدن شرافت و عزت نفس، کاهش

منزلت خانوادگی و اجتماعی زن، پناه آوردن زن به داروهای روان گردان، الکل، مواد مخدر، قمار و فالگیری، خودکشی، احساس درماندگی، افسردگی مزمن، کاهش انرژی احساسی و عاطفی، احساس حقارت و ناکامی و برآورده نشدن انتظارات شوهر، کاهش رضایت از زندگی، نابسامانی شخصیتی، اضطراب شدید، فلج شدن در تصمیم‌گیری‌ها، سلب توانمندی، ابتلاء به بیماری‌های روان و جسمی، بدبینی نسبت به جنس مذکر، تأثیر منفی بر تصویر ذهنی از خود و ... از جمله تأثیرات منفی رفتارهای خشونت‌آمیز مردان علیه زنان در خانواده می‌باشد. (مجبی، ۱۳۸۰: ۱۶)

۸-۲ تأثیر منفی بر فرزندان

خشونت‌های خانوادگی خصوصاً مشاجرات و اختلافات میان همسران، فرزندان را دچار سردرگمی، بی‌هویتی و ... و زمینه‌های بزه و بزهکاری را در آنان مستعد می‌نماید.

«کیگن» ۱، «لانگر» ۲ و «ماسن» ۳ در سال ۱۹۷۱ از تحقیق درباره خشونت خانوادگی و تأثیر آن روی فرزندان تأکید می‌کنند که رفتار خشونت‌آمیز با ناتوانی در ایجاد اهداف مشترک و انسجام خانوادگی همبستگی دارد و کودکان در شرایط بروز خشونت‌های خانوادگی دچار شب‌ادراری، لکنت، اختلالات روان‌تنی و ... می‌شوند.

همچنین مشکلات سلامت، سوءتغذیه، کم‌خوابی یا پرخوابی و ... را در بین کودکان بالای ۱۸ ماهه در تحقیقات «لایرز» و ... در سال ۱۹۸۹ حاکی از اثرات خشونت‌های خانوادگی است.

مک کی (۱۹۹۱) در تحقیقی که از ۹۰ نفر از کارکنان اردوگاه‌ها موقتی در خصوص تأثیر بهره‌کشی زنان در رشد کودکان به عمل آورده، نشان‌دهنده آن

است که ۹۶ درصد تهدیدات روانی را مهم‌ترین عامل بیماری‌زا، ۳۴ درصد تهدیدات فیزیکی، ۱۴ درصد آشفتگی امور عادی بچه‌ها، ۷۳ درصد وسواس و ... را معرفی کرده‌اند. (اشراقی، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ارائه راهکار

۱. در سطح خانوادگی می‌توان از راهبرد توجه اجتماعی یعنی گوش فرا دادن به مسائل، تأکید کردن، علاقمند نمودن، تحسین و تشویق و اظهار برخی علائم مثبت استفاده نمود و موجب تقویت روحیه همبستگی و دوری از خشونت‌ورزی گردید.

۲. از دیگر نکاتی که در راهکارهای جهانی مورد غفلت قرار گرفته است، تأثیر رسانه‌های جمعی است که در مورد ممنوعیت نمایش تصاویر خشونت‌بار مانند قتل و کشتارهای فجیع و تجاوزات و نیز صحنه‌هایی که به نوعی زمینه تحریک رفتارهای خشن و جنسی را فراهم می‌نماید، (به طور نمونه پورنوگرافی و سکس) هیچ توصیه‌ای ارائه نشده است.

۳. همانگونه که اشاره شد از دیگر عوامل مؤثر در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و جرائم علیه زنان، مذهب و اخلاق می‌باشد. زمینه‌سازی جهت تقویت باورهای دینی و تشویق به رعایت دستورات دینی در خصوص رعایت حقوق مسلم سایر انسان‌ها (علی‌الخصوص زنان) و نیز یادآوری نظام حسابرسی بر اعمال و رفتار در محکمه عدل الهی در کاهش جرائم از جمله خشونت علیه زنان مؤثر خواهد بود. کاهش نرخ خشونت مستلزم حرکت فرهنگی و طولانی مدت است که مبدأ آغازین آن در نهاد خانواده و توسط نقش تربیتی زنان قابل اجراست. به طور نمونه نگرش مردان آینده، نسبت به زن، توسط مادران امروز قابل تغییر است، تا بدین وسیله نسل آینده از خطرات خشونت علیه زنان نجات یابد. انجام چنین هدفی نیازمند اعتماد به نفس مادران و شناخت آنان نسبت به جایگاه و نقش شایسته آنها در نظام خلقت و احیای مجدد تعالیم دینی در خصوص حقوق و تکالیف متقابل زن و مرد در زندگی خانوادگی و اجتماعی است. (محبی، ۱۳۸۰: ۱۹)

منابع

۱. آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۸) نگاه تطبیقی به موضوع خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۳.
۲. اخوان، منیره (۱۳۹۴) نقض حقوق زنان در غرب؛ تحلیلی از جایگاه زن در کشورهای اروپایی و آمریکا، مطالعاتی صیانت از حقوق زنان. شماره ۱.
۳. اعظم‌زاده، منصوره؛ دهقان‌فرد، راضیه (خشونت علیه زنان در تهران: رابطه بین جامعه‌پذیری جنسیتی، منابع در دسترس زنان و رابطه خانوادگی)، زن در توسعه و سیاست، شماره ۸.
۴. حمیدیان، اکرم؛ کلانتری، صمد (۱۳۸۷) بررسی عوامل مؤثر بر خشونت‌های خانگی (با تأکید بر خشونت علیه زنان در شهر اصفهان)، توسعه اجتماعی، دوره دوم، شماره ۴.
۵. ره‌کشای، حمیده (۱۳۹۵) نقش مداخله دولت‌ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۴.
۶. سادات یزدانی، معصومه (۱۳۹۵) خشونت علیه زنان و تأثیر آن بر بزه‌کاری اطفال، مطالعات حقوق، شماره ۷.
۷. عالی پور، حسن (۱۳۸۸) قاچاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۵.
۸. علیوردی نیا، اکرم؛ اسفندیاری، فاطمه؛ اسماعیل ریاحی، محمد (۱۳۸۹) تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان: آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۷.
۹. گزارشی از چهارمین کنفرانس جهانی زنان (۱۳۸۵) سیاحت غرب، شماره ۳۵.

۱۰. محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰) آسیب‌شناسی اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۴.
۱۱. معینان، نرمینه (۱۳۹۱) تحلیلی بر خشونت علیه زنان در خانواده (با نگاهی به جامعه ترکیه)، زن و مطالعات خانواده، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۲. موثقی، حسن (۱۳۹۲) چشم‌انداز حقوق زنان از نگاه سازمان ملل متحد، زن و مطالعات خانواده، شماره ۲۲.

منابع اینترنتی

۱. آمار تکان‌دهنده از تجاوز و خشونت علیه زنان آمریکا
<http://www.barackobama.ir/en/news/321/%D8%A2%D9>
۲. خشونت علیه زنان از دیدگاه اسلام
<http://oroj.edu.af/1395/11/10/>
۳. نجمه مقدسی، خشونت علیه زنان
<http://www.maarefquran.org/index.php/page/viewArticle/LinkID,4297>